

رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای برگزیده

ابوالفضل شاه‌آبادی (عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، نویسنده مسؤل)

Shahabadia@gmail.com

عبداله پورجوان (دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران اهواز)

Pourjavan1985@gmail.com

چکیده

رابطه شهروندان و حکومت‌کنندگان (حکمرانی)، مجموعه نهادها و ترتیبات رسمی و غیررسمی است که بر تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بین شهروندان تأثیر دارد و لذا به‌عنوان عامل اساسی توسعه شناخته می‌شود. هدف مطالعه حاضر تحلیل آماری شاخص‌های حکمرانی و برخی از متغیرهای اجتماعی و اقتصادی توسعه طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ برای ۳۵ کشور برگزیده از آسیای جنوب شرقی، غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا است. به‌طور ضمنی، نتایج مطالعه نشان می‌دهد بهبود شاخص‌های حکمرانی (همچون شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی خدمات عمومی، مقررات تنظیم‌گری دقیق، تأمین قضایی و کنترل فساد) در کشورهای مورد بررسی، مستقل از موقعیت جغرافیایی می‌تواند اثرات معناداری بر ارتقاء شاخص‌های توسعه (مانند درآمد سرانه، امید به زندگی، بهداشت و آموزش، نرخ بیکاری و غیره) و بنابراین افزایش رفاه اجتماعی داشته باشد. در گروه‌های مورد بررسی، کشورهای جنوب شرق آسیا عملکرد بهتر و کشورهای آفریقایی مورد مطالعه عملکرد بدتری در مولفه‌های حکمرانی و توسعه داشته‌اند. در این میان نیز عموماً کشورهای آمریکای لاتین نسبتاً بهتر از کشورهای غرب آسیا بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، بهداشت، آموزش، درآمد سرانه، توسعه اجتماعی-اقتصادی.

مقدمه

مباحث مربوط به فرایند دستیابی به توسعه پس از قرن نوزدهم همواره توسط مکاتب مختلف جامعه‌شناسی همچون رمانتیسم، آنارشیزم، مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم و حتی در اواخر قرن بیستم توسط پسامدرنیسم و فیمینیسم به چالش کشیده شده است. اما با این وجود در نگرش همه این مکاتب، توسعه ریشه در مفاهیم استفاده از تفکر علمی و مدرن دوران روشنگری دارد و هدفش

بهبود زندگی مردم است (پیت و هارت ویک، ۱۳۸۴: ص ۱۶). در توسعه، تمامی پیش رفت‌های مدرن در علم، فن‌آوری، دموکراسی، ارزش‌ها، اخلاق و سازمان اجتماعی با طرح بشردوستانه ایجاد دنیایی به مراتب بهتر در می‌آمیزد. توسعه در مفهوم قوی خود، به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد است (همان، ص ۱۶). در واقع توسعه‌گرایی برای منافع آسیب‌پذیرترین افراد دنیا حوزه مهمی به شمار می‌رود، زیرا برای مثال نوسان سیاست‌های بانک جهانی در تأکید بر سیاست حمایت از نیازهای اولیه در دهه ۱۹۷۰ و چرخش آن به سیاست‌های تعدیل ساختاری در اواخر دهه ۱۹۸۰، می‌تواند اثرات و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی فراوانی بر زندگی میلیون‌ها مردم بگذارد (همان، ص ۱۸).

از سوی دیگر، در اواسط سال ۱۹۹۰ گفتمان رایج و تخصصی بین‌المللی علاقه تازه‌ای به نقش نهادها در تغییرات اجتماعی - اقتصادی نشان داد و عوامل نهادی و حکمرانی را عامل تعیین‌کننده دستیابی به توسعه (پورجوان، ۱۳۸۹) و به عبارت دیگر، حکمرانی را کارگزار اصلی توسعه معرفی نمود (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۶). جوزف استیگلیتز^۱ (۱۹۹۸) معتقد است امروزه اهداف توسعه گسترش یافته و شامل توسعه پایدار و توسعه برابرخواه و مردم‌سالار می‌شود. به اعتقاد وی بهبود حکمرانی عامل اساسی تحقق این اهداف است. از سوی دیگر، اقتصاددانان نهادگرای جدید کیفیت نهادهای رسمی و غیررسمی کشورها را به‌عنوان مهم‌ترین موانع و محرک‌های توسعه پایدار قلمداد می‌کنند. در این دیدگاه، بازار و دولت به‌مثابه نهادهایی اجتماعی هستند که به‌همراه دیگر نهادها، کارایی جامعه را تضمین می‌نمایند (استیگلیتز، ۱۹۹۸).

همچنین در بیانیه‌های رسمی موسسات بین‌المللی^۲ و مطالعات تجربی بسیاری از محققان (یائو، واتانیب و لی^۳، ۲۰۰۹، محمد و استرویل^۴، ۲۰۰۹، تامسون^۵، ۲۰۰۷، شارما^۶، ۲۰۰۷، دیاموند^۷، ۲۰۰۵ و چیما

1 Joseph E Stiglitz (1998)

۲ از جمله دبیر کل سابق سازمان ملل کوفی عنان (Kofi Anann).

3 Xuening Yao, Chihiro Watanabe, Ying Li (2009)

4 AnneMarie Mohammed and Eric Stroble (2009)

5 Mark R. Thompson (2007)

6 Shalendra D. Sharma (2007)

7 Larry Diamond (2005)

و مگویر^۱ ۲۰۰۳، واگنر^۲ ۲۰۰۴، آژانس توسعه بین‌المللی سازمان ملل^۳ (۲۰۰۳)، نیز بر اهمیت حکمرانی و مولفه‌های آن (از قبیل شفافیت، دسترسی به اطلاعات و پاسخگویی دولت به شهروندان از طریق مطبوعات آزاد، کارایی و اثربخشی در مدیریت کشوری و همچنین حاکمیت قانون) برای ریشه‌کن کردن فقر و افزایش رفاه جوامع تاکید شده است. گزارش آژانس توسعه بین‌المللی سازمان ملل (USAID) نیز به عنوان یک مرجع رسمی و تخصصی در سال ۲۰۰۳ جهت دستیابی به توسعه همه‌جانبه بر نقش آموزش، مردم‌سالاری و چگونگی حکمرانی تاکید کرده و نقش حکمرانی در تأمین آموزش همگانی و تخصصی برای همه شهروندان را پیش‌فرض اساسی توسعه اجتماعی-اقتصادی می‌داند.

هدف پژوهش حاضر بررسی تحلیلی-توصیفی رابطه شاخص‌های حکمرانی مطابق با تعریف بانک جهانی و برخی از مهمترین شاخص‌های توسعه (از قبیل درآمد سرانه، امید به زندگی، نرخ باسوادی، نرخ باروری زنان و نرخ مرگ و میر کودکان، نابرابری درآمد، نرخ بیکاری و غیره) طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ برای مجموعه ۳۵ کشور از مناطق مختلف جهان^۴ به صورت یک نمونه کلی و همچنین چهار گروه به تفکیک نواحی (شامل ۷ کشور جنوب شرقی آسیا^۵، ۱۵ کشور غرب آسیا^۶، ۶ کشور آمریکای لاتین^۷ و ۷ کشور آفریقایی^۸ می‌شوند)، است. با توجه به اینکه دولت ایران در آستانه اجرای برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قرار دارد و جهت دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، تحولات اساسی در عرصه اقتصادی و اجتماعی در حال برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرا می‌باشد، اهمیت این پژوهش احساس می‌شود. بدین منظور کشورهایی که به لحاظ موقعیت نهادی و برهم-

1 G. Shabbir Cheema and Linda Maguire (2003)

2 HansJürgen Wagener (2004)

3 United States Agency for International Development (2003)

۶ شایان ذکر است که داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از سایت بانک جهانی به آدرس اینترنتی <http://www.worldbank.org> گردآوری شده است.

۷ چین، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند

۸ ارمنستان، آذربایجان، هند، ایران، قزاقستان، کویت، عمان، پاکستان، عربستان سعودی، سریلانکا، تاجیکستان، ترکیه، امارات متحده عربی، ازبکستان و یمن

۹ آرژانتین، برزیل، شیلی، جامائیکا، مکزیک و ونزوئلا

۱۰ الجزایر، مصر، کنیا، نیجریه، سنگال، تونس و زیمبابوه

کش‌های اجتماعی و اقتصادی تقریباً مشابه کشور می‌باشند، انتخاب شده‌اند. به نظر می‌رسد تنوع ناحیه-ای نمونه مورد مطالعه کمک چشمگیری در درک استقلال یا وابستگی نقش حکمرانی بر شاخص‌های توسعه نسبت به موقعیت مکانی کشورها نماید.

پیشینه پژوهش

پس از دهه ۱۹۸۰، مطالعات بسیاری جهت تبیین و توضیح مکانیسم‌ها و میزان اثرگذاری کیفیت حکمرانی بر شاخص‌های توسعه همچون رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، فقر و کارایی سیستم‌های مالی و غیره توسط محققان انجام گرفته است. جهت رعایت اختصار و جلوگیری از پراکندگی مباحث، نتایج مهم ترین مطالعات ارایه می‌گردد.

ابراهیم‌بای سلامی (۱۳۸۶) در تحلیلی نظری و با رویکردی جامعه‌شناسانه مناسبات و تعامل بین دولت و جامعه را مورد بررسی قرار داده است. در این رویکرد مناسبات حکومت و جامعه و چگونگی مشارکت و نوع استقلال و ارتباط متقابل آن‌ها بر همدیگر از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مطالعه ساختار درونی حکمرانی بر اساس مشخصه‌های کیفیت بوروکراسی و مفهوم دیوان‌سالاری معرفی می‌گردد و با توجه به نظریه‌های کنترل اجتماعی، تعامل سازنده بین دولت و جامعه، ماهیت دولت‌های رانت‌جو و پروژه‌های مشترک به‌عنوان محور هماهنگی و تعامل بین گروه‌های اجتماعی و دولت به تبیین تحولات اجتماعی به ویژه در ایران پرداخته شده است.

شارما (۲۰۰۷) کمبودهای نهادی را مشخصه بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال گذار می‌داند. زیرا حکمرانی ضعیف و خودسرانه و همچنین چارچوب نظارتی، تنظیم‌گری و قانونی ناکافی، این کشورها را از سرمایه‌گذاری مولد مورد نیاز برای رشد اقتصادی و توسعه محروم کرده است. وی معتقد است مردم‌سالاری و شفافیت، رشد اقتصادی و توسعه جامعه را به‌طور معناداری تحت تاثیر قرار می‌دهد و به‌طور مشخص، تضمین حقوق مالکیت خصوصی و نهادینه-سازی حاکمیت قانون انگیزه‌های قوی را در افراد مولد و نوآور تشویق می‌کند و شهروندان را در برابر نیرنگ‌ها مصون می‌دارد. از سوی دیگر، آنجلس^۱ (۲۰۱۰) نتیجه می‌گیرد که با تغییر سطوح

1 Luis Angeles (2010)

نهادی در جوامع، به تدریج نهادها اثرات محدودی بر توسعه اقتصادی خواهند داشت و هنگامی که کشورها پایین‌ترین سطح کیفیت نهادی را پشت سر می‌گذارند و با تأسیس نهادهای کارآمد به سطوح بالاتر توسعه دست می‌یابند، این اثر اندک کم رنگ می‌شود.

ارزیابی مفروضات زیربنای اصلی ادبیات اقتصاد سیاسی در مطالعه دلپین اولیندا^۱ (۲۰۰۶) از اهمیت فزاینده حکمرانی خوب برای توسعه حمایت می‌کند. در این مطالعه تأکید می‌شود ماهیت درونی و توزیعی نهادها و اثرات متقابل و درهم‌تنیده نهادها و عملکرد اجتماعی-اقتصادی، پیش-نیاز حرکت از رویکرد محدود توسعه (به معنای بهبود رشد اقتصادی) به فراسوی مفاهیم گسترده‌تر حکمرانی و توسعه همه‌جانبه (مردم‌سالاری، برابری، عدالت و رفاه اجتماعی) است.

همچنین نتایج مطالعات تجربی بسیاری از اهمیت نهادها به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده اساسی در سرعت بخشیدن به فرایند دستیابی به رشد اقتصادی باثبات و توسعه پایدار حمایت می‌کنند (کاسون و همکاران^۲ ۲۰۱۰، گرنویل و لئونارد^۳ ۲۰۱۰، کافمن و همکاران^۴ ۲۰۰۹، آیدیس و همکاران^۵ ۲۰۰۸، شارپ و همکاران^۶ ۲۰۰۲، ولوسو و لوسو^۶ ۲۰۰۱، پورجوان ۱۳۸۹، شاه‌آبادی و همکاران ۱۳۸۹).

چارچوب نظری: حکمرانی و توسعه اجتماعی - اقتصادی

داگلاس نورث^۷ (۱۹۹۰) بنیانگذار مکتب نهادگرایی، نهادها^۸ را قوانین بازی در جامعه، سنت‌ها، عادات، آداب و رسوم غیررسمی و رسمی تعریف می‌کند. به‌عبارت دقیق‌تر، نهادها

1 Sebastian Dellepiane Avellaneda (2006)

2 Mark C. Casson, Marina Della Giusta and Uma S. Kambhampati (2010)

3 Brigitte Granville and Carol S. Leonard (2010)

4 Ruta Aidis, Saul Estrin, Tomasz Mickiewicz (2008)

5 Jeff S. Sharp, Kerry Agnitsch, Vern Ryan, Jan Flora (2002)

6 Francisco Veloso and Jorge Mario Soto (2001)

7 Douglass. C. North (1990)

۸ نهادها به عنوان نظام‌هایی از قواعد اجتماعی تثبیت‌شده و مرسوم، عرف قراردادی و آدابی که تعاملات و روابط اجتماعی را شکل و سازمان می‌دهد، تعریف می‌شود. به طور کلی، نهادها در اندیشه منظم، انتظارات و پیش‌بینی، فعالیت به وسیله شکل‌های تحمیلی از سوی آن اندیشه و پایداری و همسانی فعالیت‌های انسان نمود می‌یابد (هاگسون ۲۰۰۶). اسکات (۱۳۸۷) سازمان را متفاوت از نهاد می‌داند. وی سازمان‌ها را ساختارهای منظمی ←

محدودیت‌هایی هستند که به وسیله انسان‌ها به وجود آمده است تا روابط و برهم‌کنش‌ها را میان گروه‌های جامعه (شهروندان، بخش خصوصی و دولت) که برای تأمین نیازها، علائق و اهداف خود در تلاش هستند، شکل دهد.

کمپ، پرتو و گیبسون^۱ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند جذابیت حکمرانی به خاطر آن است که مجموعه گسترده‌ای از جنبه‌های به طور فزاینده مهم و مبهم را در تفکر متعارف توسعه در برمی‌گیرد و لذا تفکر منسجم بیشتری به منظور درک چگونگی اثرگذاری این جنبه‌ها بر همدیگر را تشویق می‌کند. برای نمونه، این محققان مفهوم دولت و حکمرانی را از همدیگر تفکیک کردند. بر اساس دیدگاه آنان دولتها نهادهای رسمی، به وضوح قابل شناسایی، ساکن و ایستا می‌باشد و مصرانه خواستار آن هستند تا تصویری از ساختارهای رسمی حاکم بر مردم ارائه دهند، ولی مفهوم حکمرانی به وسیله نقش فزاینده و بسیار مهم ترتیبات و نهادهای رسمی و غیررسمی در اقتصاد سیاسی-اجتماعی و فرایند توسعه مشخص می‌شود. همچنین بانک توسعه آسیا^۲ (۱۹۹۰) حکمرانی را به طور مستقیم با فرآیند مدیریت توسعه که شامل هر دو بخش دولتی و خصوصی می‌شود، مرتبط می‌داند. به طور کلی، حکمرانی محیط نهادی‌ای را در برمی‌گیرد که در آن شهروندان در میان خود و با سازمان‌های دولتی/مقامات ارتباط و تعامل دارند. این رویکرد نظام‌مند پیچیده درک عملکرد و کارکرد مکانیسم‌های گوناگون را از طریق روابط درون‌بخشی در بین حوزه‌های قابل شناسایی (مانند اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی) و نه فقط هر بخش به صورت مجزا بهبود می‌بخشد و نقش اساسی در نیل به اهداف توسعه خواهد داشت (کمپ و همکاران ۲۰۰۵).

بانک جهانی، حکمرانی خوب را نهادها، قوانین رسمی و غیررسمی و آداب و رسوم تعریف می‌کند که به وسیله آن‌ها قدرت در جهت مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و شامل موارد زیر است (کافمن و همکاران^۳ ۲۰۰۹):

تعریف می‌کند که اعضای آن هدف خاصی را دنبال می‌نمایند، مکانیسم‌های انگیزشی و تنبیهی خاص خود را دارد و از نهادهای جامعه و درون سازمان تأثیر می‌پذیرند.

1 René Kemp, Saeed Parto and Robert B. Gibson (2005)

2 Asian Development Bank (ADB)

3 Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi (2009)

الف) فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند،
ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست، و
ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند.

کافمن و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از تعریف بانک جهانی شش ویژگی برای حکمرانی برمی‌شمارند. بر اساس بیش از یک دهه مطالعات آنان و دیگر محققان، شش ویژگی و مکانیسم-های اثرگذاری آن‌ها بر فرایند پویای توسعه اجتماعی-اقتصادی به صورت زیر تبیین شده است:

مولفه شفافیت و پاسخگویی به مشارکت گسترده مردم، احزاب و رسانه‌ها در فرایند حکومت-داری اشاره دارد و خاطر نشان می‌سازد احزاب و رسانه‌های آزاد و مستقل در یک کشور نقش مهمی در نظارت و بازنگری حکومت و همچنین پاسخگو نگه داشتن حکمرانان و سیاستمداران در برابر اقداماتشان بازی می‌کنند. تصمیمات و سیاست‌گذاری‌هایی که در میان چانه‌زنی‌های احزاب و انجمن‌ها اتخاذ شده‌اند، با احتمال بیشتری اثربخش خواهند بود. به عبارت دیگر، مردم‌سالاری، برگزاری انتخابات آزاد، مشارکت مطبوعات از طریق اتخاذ بهترین سیاست‌هایی که مصالح اجتماعی را برآورده می‌سازد، رقابت سالم و تأکید بر علم و دانش را الگوی فعالیت در کلیه امور سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهد و اصلی‌ترین بستر ارتقا و پیشرفت شاخص‌های توسعه را فراهم می‌آورد.

بی‌ثباتی سیاسی و خشونت در جامعه نشان دهنده آن است که دولت‌ها بر اساس انتخابات آزاد روی کار نیامده‌اند و نارضایتی وسیع عمومی نسبت به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمینه‌های شورش و جنگ داخلی را به وجود آورده است. آشکار است که جنگ و خشونت در جامعه کارکردهای اصلی و اولیه اقتصاد و محیط اجتماعی (از قبیل کارایی فرایندهای تولید و توزیع، کیفیت استاندارد زندگی، طرح‌های توانمندسازی فقرا، کاهش نابرابری، بیکاری و تورم) را با مشکل مواجه می‌سازد و با آسیب‌هایی که به زیرساخت‌های فیزیکی، انسانی و انگیزشی جامعه وارد می‌کند امکان دستیابی به توسعه را محدود ساخته و یا به تأخیر می‌اندازد.

اثربخشی دولت نشان دهنده توانایی دولت برای تولید و پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب و ارابه کالاهای و خدمات عمومی است. بسیاری از مطالعات نظری و تجربی نشان داده است که عملکرد

مناسب بازارها و اقتصاد بستگی به ارایه کالاها و خدمات عمومی (مانند جاده‌ها، بندرگاه‌ها، زیرساخت‌های ارتباطی، مدارس و دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، برنامه‌های تحقیقاتی و غیره) دارد. بنابراین باید دانست آیا دولت می‌تواند به طور موثر این کالاها و خدمات عمومی را که برای فرایند توسعه حیاتی است، ارایه کند؟ علاوه بر این، به احتمال زیاد دولت با شفاف‌سازی سیاست‌های اقتصاد کلان، مانند قیمت‌گذاری نرخ ارز به صورت هدفمند و متناسب با اوضاع اقتصاد داخلی^۱، نرخ سود بانکی واقعی مثبت در نزدیکی هزینه فرصت سرمایه برای سرمایه‌گذاران خصوصی و بنگاه‌های دولتی، سیاست‌های محتاطانه مالی و بودجه‌ای و سیاست‌های پولی شفاف و منسجم که برای ایجاد فضای مساعد کسب‌وکار و ارتقای توسعه کشور ضروری است، موثرتر و مفیدتر خواهد بود.

همچنین **کیفیت تنظیم‌گری مقررات**، تمایل دولت به اتخاذ سیاست‌های دوستدار بازار را نشان می‌دهد. این سیاست‌ها کنترل شدید قیمت‌ها و همچنین فشارهای اعمال شده توسط مقررات بیش از حد در تجارت خارجی و توسعه فضای کسب‌وکار و غیره را بر نمی‌تابد. به‌عنوان مثال، بار اضافی مقررات در جامعه فعالان اقتصادی را از تصمیم‌گیری و انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری مولد باز می‌دارد و طرف تولید جامعه را دچار اختلال می‌کند. نتیجه اولیه و ضمنی بار اضافی مقررات در جامعه می‌تواند آسیب دیدن طرف عرضه بازار کار، اشتغال و نرخ بیکاری، نرخ تورم، تغییرات نابرابری و ضریب جینی و به طور کلی تأخیر در روند توسعه کشور باشد که منجر به انحراف در کارکردهای مناسب اجتماعی نیز خواهد شد.

تأمین قضایی در جامعه محیطی را فراهم می‌کند که چارچوب قوانین قابل پیش‌بینی، بی‌طرفانه (منصفانه) و بر اساس تعاملات اقتصادی-اجتماعی شکل گیرد. در چنین جامعه‌ای زمینه و تکیه‌گاه اصلی آگاهی شهروندان و چگونگی برخورد دادگاه‌ها با مجرمان همانا قانون است؛ قوه قضائیه به اثربخشی و پیش‌بینی‌پذیری معتقد است؛ اعتماد و اطمینان در قابلیت اجرای قراردادها بالاست. نظام قضایی و حقوقی کارا از دارایی‌های فیزیکی و دست‌آوردهای نوآورانه/خلاقانه یا به‌طور کلی از حقوق مالکیت حمایت می‌-

۱ به نظر می‌رسد با توجه ویژگی خاص کشور ایران (و کشورهای مشابه) از لحاظ وابستگی اقتصاد ملی به صادرات نفت خام (اقتصاد تک‌محصولی) نظام قیمت‌گذاری نرخ ارز شناور مدیریت شده (خزنده) مناسب باشد.

کند، زیرا موجب تشویق انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دیربازده همچون فعالیتهای تحقیقاتی و ابداعات می‌شود. لذا انباشت دانش بیشتری در بلندمدت ایجاد می‌کند و زمینه پیشرفت و توسعه مبتنی بر دانش را در جامعه فراهم می‌آورد.^۱

سرانجام **کنترل فساد** به‌طور قراردادی اشاره دارد به اینکه قدرت عمومی در جهت به دست آوردن منافع شخصی مورد استفاده قرار نگیرد و یا به منظور فراهم آوردن منافع فراقانونی برای افراد خاص و دارای نفوذ پرداخت/دریافت رشوه صورت نگیرد. وجود فساد اغلب نمود عدم احترام به بخشی از قوانین جامعه است که کنترل تعاملات بین رشوه‌گیرنده/رشوه‌دهنده را تنظیم می‌کند. همان‌طور که مطالعات تجربی و نظری تأکید دارند فساد از مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مانع رشد و توسعه شده و نابرابری درآمد و ثروت و فقر را افزایش می‌دهد.

بنابراین در چارچوب ایده‌های نظری جدید اندیشمندان علوم انسانی که محوریت بحث‌های آن‌ها ارتباطات متقابل رفتارهای شهروندان، نهادهای بازاری و مناسبات دولتی (برهم‌کنش‌های اساسی نهادهای رسمی و غیررسمی) در نیل به اهداف توسعه‌ای است، انتظار می‌رود کیفیت روابط شهروندان و حکومت‌کنندگان (حکمرانی) به‌صورت معناداری اهداف توسعه اجتماعی-اقتصادی را تحقق بخشد.

روش‌شناسی، داده‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آماری

اکنون به‌صورت کوتاه چگونگی کمی نمودن شاخص‌های نهادی حکمرانی توسط بانک جهانی بحث می‌شود و پس از آن برخی از مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی در کشورهای مورد بررسی در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی مورد ارزیابی و تحلیل آماری قرار می‌گیرد. شایان ذکر است چگونگی انتخاب کشورهای مورد مطالعه بر مبنای تشابه تقریبی سطوح توسعه‌یافتگی جهت مقایسه تطبیقی و درک استقلال و وابستگی عملکرد نهادی و کارکردهای توسعه اجتماعی از موقعیت مکانی کشورها است. محدودیت عمده در این پژوهش مربوط به روش جمع‌آوری داده‌ها و همسان‌سازی دوره زمانی متغیرهای مختلف کشورهای در حال توسعه مورد بررسی می‌باشد. از

۱ غالباً در تئوری اقتصادی بحث می‌شود که دانش یک کالای غیرقابل رقابت است و انتشار آن در جامعه رایگان صورت می‌پذیرد.

سوی دیگر، برگزیدن چند شاخص اجتماعی مورد نظر از بین صدها شاخص موجود در این زمینه آن است که به نظر می‌رسد این شاخص‌ها از اهمیت بیشتر برخوردار بوده و کارکردهای اولیه محیط اجتماعی و اقتصادی را بهتر نمایان سازند.

شاخص‌های جهانی حکمرانی^۱ (WGI) پس از ۱۹۹۶ هر ساله توسط سه تن^۲ از محققان بانک جهانی تولید می‌شود. این منابع اطلاعاتی بر اساس نظرسنجی گسترده از شرکت‌ها و افراد، ارزیابی آژانس-های رتبه‌بندی ریسک‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی و نیز تعدادی از آژانس‌های کمک‌های چندجانبه و سازمان‌های بخش دولتی به وجود می‌آید.^۳ این اطلاعات نظرسنجی بر جنبه‌های گوناگون و گسترده حکمرانی در یک کشور دلالت دارند و به وسیله ۳۵ منبع اطلاعاتی متفاوت و ۳۳ سازمان مختلف در سراسر جهان جمع‌آوری و مورد پردازش قرار می‌گیرند. بر این اساس شش شاخص حکمرانی در دامنه اعداد بین ۲/۵- تا ۲/۵ اندازه‌گیری می‌شوند، به طوری که اعداد بزرگ‌تر نشان دهنده پیامدهای بهتر حکمرانی هستند. در جدول ۱ میانگین شاخص‌های حکمرانی طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ در پنج گروه که شامل مجموعه کل کشورهای مورد مطالعه و چهار گروه به تفکیک مناطق (کشورهای جنوب شرق آسیا، غرب آسیا، آمریکای لاتین و کشورهای آفریقایی) می‌شود، آورده شده است. ارزیابی کلی جدول بیانگر آن است مجموعه کشورهای مطالعه حاضر به صورت یک نمونه واحد دارای حکمرانی ضعیف‌تری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته هستند، زیرا میانگین تمامی شاخص‌های حکمرانی برای مجموعه کل مورد مطالعه منفی و کمتر از صفر است. لذا به نظر می‌رسد مجموعه کشورهای مورد بررسی به منظور کاهش شکاف عملکرد توسعه‌ای خود با کشورهای توسعه‌یافته^۴ باید بر بهبود شاخص‌های حکمرانی بیشتر تمرکز نمایند (پورجوان ۱۳۸۹، شاه‌آبادی و همکاران ۱۳۸۹).

1 World Governance Indicators

2 Daniel Kaufmann, Aart Kraay and Pablo ZoidoLobaton

۳ برای مطالعه بیشتر متغیرهایی که شاخص‌های جهانی حکمرانی از آن‌ها استخراج شده است، پیوست‌های مطالعه کافمن و همکاران (۲۰۰۹) را بنگرید.

۴ تنها جهت آشنایی خوانندگان ذکر می‌کنیم که به طور کلی متوسط شاخص‌های حکمرانی برای کشورهای توسعه‌یافته عضو سازمان اقتصادی و همکاری توسعه (OECD) طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۶ بین دامنه اعداد ۱/۳ تا ۱/۶ قرار دارد. لذا مشاهده می‌شود که تفاوت‌های عمیق نهادی بین این گروه از کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۱ به وضوح مشخص می‌سازد هرچند کشورهای مورد مطالعه در مجموع دارای حکمرانی ضعیفی هستند، اما در مقایسه با همدیگر و هنگامی که به نواحی گوناگون تفکیک می‌شوند، نکات جالب توجهی را به دست می‌دهند. جهت رعایت اختصار از تحلیل همه شاخص‌ها جلوگیری به عمل آمده و تنها شاخص شفافیت و پاسخگویی ارزیابی شده است.

در شاخص شفافیت و پاسخگویی، آمریکای لاتین با میانگین ۰/۰۹- بهترین و کشورهای غرب آسیا با ۰/۸۳- نسبت به دو گروه دیگر ضعیف‌ترین عملکرد را دارا می‌باشند. خاطرنشان می‌سازیم اکثر کشورهای آمریکای لاتین از اواسط دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های تعدیل ساختاری و درهای باز را در کشورهای خود به اجرا گذاشتند. بنابراین شفافیت نسبتاً بالاتر این گروه نسبت به دیگر گروه‌ها می‌تواند مربوط به آزادسازی اقتصادی، تجاری و مالی این کشورها باشد. کشورهای غرب آسیا نیز به طور ضمنی قابل تفکیک به دو زیر مجموعه هستند: اول کشورهای تازه استقلال یافته که پس از فروپاشی شوروی سابق (۱۹۹۱) و نظام برنامه‌ریزی متمرکز با مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوانی روبرو شدند و دوم کشورهای خاورمیانه که دارای منابع عظیم نفت خام و گاز هستند و لذا عمدتاً درآمدهای ناشی از فروش ثروت ملی که اختیار آن اغلب دست دولت‌هاست، بر امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اثرات قابل توجهی می‌گذارد. متوسط شاخص شفافیت و پاسخگویی برای کشورهای جنوب شرق آسیا و کشورهای آفریقایی به ترتیب ۰/۲۲- و ۰/۷- هستند. همان طور که غالباً بحث می‌شود بهبود شفافیت می‌تواند از طریق مشارکت اقشار مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها به طور مستقیم و همچنین گسترش فضای نقد و بررسی توسط انجمن‌ها و رسانه‌ها به صورت غیرمستقیم باعث افزایش استاندارد زندگی شهروندان شود.

به طور کلی، از ارزیابی ارقام کمی شاخص‌های حکمرانی به نظر می‌رسد کشورهای جنوب شرق آسیا بیش از دیگر گروه‌ها، در حاکم ساختن شفافیت و مشارکت گسترده و آزادی بیان برای احزاب و رسانه‌ها، پاسخگویی در قبال مسئولیت‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده دولتمردان، برقراری ثبات سیاسی به دور از هرگونه خشونت و اعتراض در جامعه، اثربخشی سازمان‌ها و موسسات دولتی و سیاست‌های کلان، حذف مقررات زاید و دست و پا گیر و تنظیم مقررات و قوانین با کیفیت، برقراری دستگاه قضایی عادل و قوانین حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی و همچنین تدوین و تنظیم سازوکارهای

پیشگیری، مبارزه، مجازات و حذف فساد، رشوه‌خواری، رانت‌جویی، اختلاس و جرم و جنایت اجتماعی موفق بوده‌اند. از سوی دیگر، کشورهای آفریقایی و غرب آسیا توفیق چندانی در بهبود حکمرانی و تنظیم صحیح رابطه پیچیده شهروندان، بنگاه‌ها و دولت‌ها به دست نیاورده‌اند. در جدول ۲ نیز برخی از مهم‌ترین اطلاعات عملکرد توسعه جوامع مورد مطالعه طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۶ در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی، ارزیابی و تحلیل می‌شود.

جدول ۱- خلاصه شاخص‌های حکمرانی^۱ در گروه‌های مورد بررسی

شاخص	کل کشورهای مورد بررسی	کشورهای جنوب شرق آسیا	کشورهای غرب آسیا	کشورهای آمریکای لاتین	کشورهای آفریقایی
میانگین شفافیت و پاسخگویی	-۰/۴۹	-۰/۲۲	-۰/۸۳	-۰/۰۹	-۰/۷
میانگین بی‌ثباتی سیاسی و خشونت	-۰/۵۲	-۰/۱۱	-۰/۶۶	-۰/۳۴	-۰/۹۳
میانگین اثربخشی دولت	-۰/۱۱	۰/۵۳	-۰/۳۲	-۰/۱۳	-۰/۴۸
میانگین کیفیت مقررات و تنظیم‌گری	-۰/۱۷	۰/۳۸	-۰/۳۷	-۰/۰۹	-۰/۶۱
میانگین تأمین قضایی	-۰/۲۴	۰/۲۳	-۰/۳	-۰/۴	-۰/۶۷
میانگین کنترل فساد	-۰/۲۶	۰/۱۳	-۰/۳۴	-۰/۴۲	-۰/۶۲

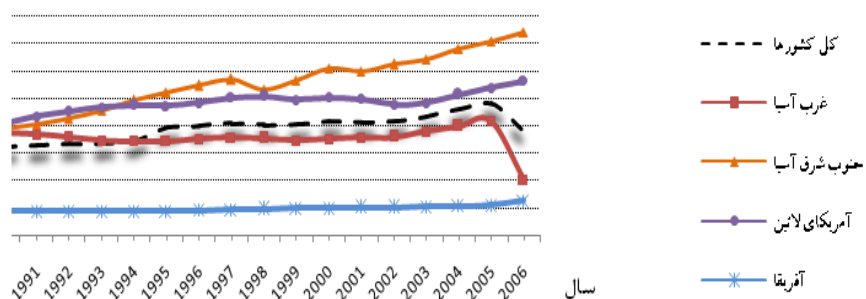
* مأخذ: سایت بانک جهانی

توجه: اعداد داخل پرانتز در پایین هر شاخص رتبه هر منطقه را در بین مناطق مورد بررسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود به‌طور کلی در بین نواحی مورد مطالعه، کشورهای جنوب شرق آسیا نسبت به گروه‌های دیگر بهترین و کشورهای آفریقایی ضعیف‌ترین عملکرد را دارا می‌باشند. برای نمونه نتایج عملکرد برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها در زیر بررسی می‌شود.

1 Source: www.govindicators.org.

میانگین درآمد سرانه برای کشورهای جنوب شرق آسیا، غرب آسیا، آمریکای لاتین و کشورهای آفریقایی به ترتیب ۵۵۰۰، ۳۵۰۰^۱، ۴۸۰۰ و ۱۰۰۰ دلار است و همان گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد تنها میانگین درآمد سرانه گروه جنوب شرق آسیا در دوره مورد بررسی از یک روند صعودی برخوردار است ولی دیگر گروه دارای یک روند تقریباً باثبات می‌باشند.

نمودار ۱- درآمد سرانه واقعی



Source: World Development Indicators (WDI 2008)

همچنین اطلاعات آماری نشان می‌دهد متوسط درآمد سرانه واقعی ایران طی دوره مورد مطالعه در حدود ۱۶۰۰ دلار می‌باشد و در سال ۲۰۰۶ حداکثر به ۲ هزار دلار رسیده است که با میانگین گروه خود یعنی غرب آسیا و همچنین کشورهای جنوب شرق آسیا که عملکرد مناسب‌تری داشته‌اند، تفاوت بارزی دارد.

در ادامه نیز چند شاخص مهم توسعه اجتماعی در جوامع مورد بررسی تحلیل می‌شود. بررسی روند نرخ رشد جمعیت پس از سال ۱۹۹۰ یک روند نزولی را در هر چهار گروه نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد با فراگیر شدن دیدگاه حکمرانی و همچنین مشاهده کاهش نرخ رشد سالانه جمعیت در سطح جهان و گروه‌های مورد مطالعه بتوان بیان داشت تنها افزایش کمیّت جمعیت مهم نیست، بلکه بهبود کیفیت زندگی شهروندان، اهمیت فزاینده‌ای در دنیای کنونی، محافل علمی و سیاست‌گذاری به ویژه در کشورهای مورد بررسی دارد.

۱ بدون احتساب کشور کویت. زیرا نتایج درآمد سرانه در غرب آسیا را به شدت با تورش روبه رو می‌سازد.

شاخص امید به زندگی در بدو تولد ذهنیت روانی شهروندان را با توجه به محیط و وضعیت نهادی و شرایط اقتصادی-اجتماعی هر جامعه نشان می‌دهد (پورجوان، ۱۳۸۹، ص ۷۶). میانگین شاخص امید به زندگی در بدو تولد در بین گروه‌های اشاره شده نشان می‌دهد، کشورهای آمریکای لاتین امید به زندگی بالاتر و کشورهای آفریقایی پایین‌ترین امید به زندگی را داشته‌اند. در این میان نیز میانگین امید به زندگی در ایران حدود ۶۸ سال و کمتر از میانگین گروه خود و بالاتر از کشورهای آفریقایی بوده است. از سوی دیگر بررسی روند کاهشی نرخ باروری زنان در گروه‌های مورد مطالعه، حاکی از آن است که کشورهای جنوب شرق آسیا در کاهش زاد و ولد عملکرد بهتر و کشورهای آفریقایی ضعیف‌تر اقدام نموده‌اند. در واقع کاهش نرخ باروری زنان علاوه بر اثر مستقیم بر نرخ رشد جمعیت در کشورهای مورد مطالعه، باعث می‌شود تا زنان این جوامع وقت کمتری را به مراقبت و تربیت کودکان و فعالیت‌های خانه‌داری اختصاص دهند و فرصت بیشتری داشته باشند تا بتوانند همپای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مختلف مشارکت داشته باشند و حتی با تأکید بر تخصص‌گرایی و مهارت بتوانند مشاغل کلیدی جامعه را به دست آورند. در شاخص نرخ باروری زنان کشور ایران با میانگین ۲/۹ تولد به ازاء هر زن عملکرد مطلوبتری نسبت به میانگین گروه غرب آسیا با میانگین ۳/۳ تولد نشان می‌دهد. همچنین افزایش استانداردهای بهداشتی از قبیل تأمین نیروی متخصص پزشکی، تأمین و تجهیز امکانات بهداشتی و پزشکی، تأمین داروهای مورد نیاز و همچنین افزایش توصیه‌ها و کمک‌های نهادهای بین‌المللی در زمینه بهبود بهداشت و سلامت نقش به‌سزایی در کاهش نرخ مرگ و میر کودکان ایفا نموده است. همان‌گونه که مشخص است کشورهای جنوب شرق آسیا و کشورهای آمریکای لاتین با تکیه به کمک‌های بین‌المللی طی بیش از دو دهه گذشته در کاهش نرخ مرگ و میر کودکان از دو گروه دیگر موفق‌تر بوده‌اند. با این وجود عملکرد بهداشتی ایران با متوسط ۳۳/۸ مرگ در هر ۱۰۰۰ تولد بهتر از گروه غرب آسیا و کشورهای آفریقایی به ترتیب با میانگین ۴۴/۵ و ۶۰/۷ مرگ در هر ۱۰۰۰ تولد بوده است.

از سوی دیگر، تحلیل رگرسیونی دو متغیره پژوهش حاضر (پیوست ۱ و ۲ را بنگرید). گویای آن است که مولفه‌های حکمرانی به ویژه شاخص شفافیت به صورت مثبت درآمد سرانه واقعی و امید به زندگی و به صورت منفی نرخ باروری زنان و نرخ مرگ و میر کودکان را در ۳۵ کشور

مورد مطالعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا به صورت ضمنی به نظر می‌رسد امید به زندگی، نرخ باروری زنان و نرخ مرگ و میر کودکان ارتباط تنگاتنگی با ارتقاء شاخص‌های حکمرانی گروه‌های مورد بررسی دارد. به طوری که هر چه سطح حکمرانی از گروهی به گروه دیگر افزایش می‌یابد کارکردهای اجتماعی-اقتصادی نیز بهبود پیدا می‌کند.

بهبود بهداشت فردی و عمومی در جامعه، محیطی سالم و عاری از بیماری‌ها را به وجود می‌آورد. شهروندان در این محیط بدون تشویش و اضطراب ذهنی ناشی از شیوع و گسترش امراض واگیردار و مهلک، زمینه‌های پیش رفت و توسعه فعالیت خود را در سطح فردی، گروهی، سازمانی و ملی فراهم می‌آورند. هزینه‌های بهداشت نیز شامل کلیه هزینه‌هایی می‌شود که هر سال توسط دولت و گروه‌های اجتماعی جهت تأمین و بهبود بهداشت و سلامت محیط و شهروندان جامعه صرف می‌شود. برای مثال می‌توان هزینه درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های دولتی در شهرها و روستاها، یارانه به داروهای حیاتی و همچنین طرح‌های ملی سلامت (مانند پیشگیری از ایدز، فلج اطفال، هپاتیت و...) را بیان نمود. بر اساس جدول ۲، متوسط هزینه بهداشت سرانه برای کشورهای آمریکای لاتین، جنوب شرق آسیا، غرب آسیا و آفریقایی طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۵ به ترتیب ۲۹۷، ۲۸۱، ۱۸۲ و ۶۰ دلار می‌باشد. انتظار می‌رود حکمرانان از طریق ایجاد نهادهای کارآمد زمینه بهبود بهداشت و سالم را در سطح فردی و اجتماعی فراهم نمایند. همچنین بررسی آمارها بیانگر آن است که هزینه سرانه بهداشت در کشور ایران از ۷۸ دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۲۱۲ دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده است و به نظر می‌رسد درآمد حاصل از صادرات و فروش نفت‌خام در این رشد شتابان بی‌تأثیر نبوده است. اما باز هم میانگین هزینه بهداشت سرانه ایران (۱۳۶ دلار) از میانگین گروه خود پایین‌تر می‌باشد.

اهمیت آموزش و تشکیل سرمایه انسانی در فرایند دستیابی به رشد و توسعه پایدار بر هیچکس پوشیده نیست. آموزش موجب افزایش مشارکت در فرایندهای اجتماعی، افزایش مردم‌سالاری، بهبود تعاملات اجتماعی، افزایش سرمایه انسانی و نیروی متخصص، تولید دانش، تفکر و فناوری، رشد اقتصادی، بهبود استانداردهای زندگی و جهش فرایند توسعه می‌شود. میانگین نرخ ثبت‌نام دبیرستانی بین گروه‌های مورد بررسی در طی دوره زمانی نشان می‌دهد به‌طور کلی نسبت به ابتدای دوره (۱۹۹۱) اهمیت بیشتری بر آموزش صورت گرفته است. کشورهای آمریکای لاتین بیش از

سه گروه دیگر بر این شاخص تأکید نموده‌اند. از سوی دیگر، کشورهای جنوب شرق آسیا و کشورهای آمریکای لاتین در طول دوره مورد مطالعه هر سال به‌طور متوسط به ترتیب حدود ۸۹۴ و ۷۵۳ دلار هزینه سرانه برای دانش آموزان دبیرستانی انجام می‌دهند و از این نظر حایز رتبه اول و دوم هستند. این در حالی است که هزینه سرانه هر دانش‌آموز دبیرستانی در ایران در سال ۲۰۰۵ حداکثر ۱۱/۱ درصد درآمد سرانه و به صورت مطلق حدود ۲۱۳ دلار و برابر میانگین کشورهای آفریقایی مورد بررسی بوده است. لذا به نظر می‌رسد به دلیل کمبود و عموماً فقدان وسایل و تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی، فضای مناسب آموزشی، معلمان و دبیران هزینه سرانه دانش‌آموزان در کشورهای غرب آسیا و آفریقایی کمتر از دو گروه دیگر می‌باشد.

از دیدگاه اقتصادی، نرخ بیکاری بالا نشان‌دهنده آن است که به دلایل متعدد از قبیل ساختار غیررقابتی بازار کار، عدم مهارت نیروی کار متناسب با نیازهای بنگاه‌های اقتصادی، وجود قوانین کار دست‌وپا گیر و همچنین دستوری تعیین نمودن دستمزد و حقوق بدون توجه به عرضه و تقاضای نیروی کار، در بازار کار مازاد عرضه (کمبود تقاضا) وجود دارد (پورجوان ۱۳۸۹). بیکاری گسترده افراد همچنین باعث گسترش معضلات اجتماعی دیگر از قبیل فقر، نابرابری، جرم و جنایت و غیره می‌شود. در بین گروه‌های مورد بررسی، نرخ کل بیکاری کشورهای جنوب شرق آسیا به‌طور متوسط طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۵ سالانه در حدود ۴/۳۲ درصد نیروی کار بوده است. همچنین متوسط سالانه نرخ کل بیکاری کشورهای غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقایی طی همین دوره به ترتیب ۷/۸۳، ۹/۴۳ و ۱۱/۲۳ درصد نیروی کار می‌باشد. همچنین متوسط سالانه نرخ کل بیکاری ایران طی دوره مورد بررسی حدود ۱۰/۹۶ درصد و بیش از میانگین گروه خود بوده است. زیرا به نظر می‌رسد به دلیل عدم شناخت دقیق و فقدان نگاه سیستمی به ساختار اقتصادی و اجتماعی در کشورهای مورد مطالعه (با اندکی تسامح بجز کشورهای جنوب شرق آسیا) شاهد اتخاذ سیاست‌های نادرست اقتصادی و اجتماعی در بازارهای عوامل تولید می‌باشیم که نتیجه آن بیکاری گسترده عوامل تولید به ویژه نیروی کار است. بنابراین کشورهای جنوب شرق آسیا نسبت به گروه‌های دیگر بهتر توانسته‌اند از نیروی کار خود در فرایند تولید استفاده کنند و علاوه بر افزایش رشد اقتصادی و درآمد سرانه، زمینه‌های بروز معضلات اجتماعی اشاره شده را کاهش دهند.

نتایج تحلیلی این مطالعه موید آن است که اول: آن طور که نورث معتقد است نهادها مستقل از موقعیت منطقه‌ای بر عملکرد اجتماعی-اقتصادی هر کشور تأثیر دارد و دوم: کشورهای با نهادهای رسمی (حکمرانی) بهتر عملکرد مطلوبتری در نیل به اهداف توسعه‌ای دارند (کشورهای جنوب شرق آسیا به‌عنوان حکمرانی خوب و کشورهای آفریقایی به‌عنوان مورد ضعیف).

هنگامی که شهروندان جامعه بتوانند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مشارکت کنند، فرایند تغییر دولت‌ها به دور از هرگونه خشونت و اعتراض و بر مکانیسم‌های قانونی استوار باشد، کیفیت مقررات و سیاست‌های کلان اجرایی دولت کارآمد باشد، نهادهای کارآمدی جهت حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی دارایی‌های افراد وجود داشته باشد و نهایتاً فساد و رانت‌جویی کنترل شود، به طور مستقیم شهروندان از کیفیت زندگی خود در چنین جامعه‌ای احساس خوشنودی می‌کنند و از کسب و کار خود و منافع ناشی از آن لذت می‌برند؛ همچنین به صورت غیرمستقیم بر افزایش و پیشرفت شاخص‌های متعدد توسعه اثر مثبت می‌گذارد و از این طریق رشد و توسعه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پورجوان ۱۳۸۹، شاه‌آبادی و پورجوان ۱۳۸۹).

جدول ۲- برخی اطلاعات بهداشت و سلامت در گروه‌های مورد بررسی طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۶

شاخص	کل کشورهای مورد بررسی	کشورهای جنوب شرق آسیا	کشورهای غرب آسیا	کشورهای آمریکای لاتین	کشورهای آفریقایی
میانگین نرخ رشد سالانه جمعیت (درصد)	۱/۷۴	۱/۵۸	۱/۸۵	۱/۳۵	۲/۱
میانگین درآمد سرانه (به قیمت ثابت ۲۰۰۰ دلار)	۳۹۵۰	۵۵۸۷	۳۵۴۱	۴۸۶۵	۱۰۰۴
میانگین امید به زندگی در بدو تولد (سال)	۶۷/۱	۷۰/۹	۶۸/۷	۷۲/۷	۶۰
میانگین نرخ باروری زنان (تولد در هر زن)	۳/۲۲	۲/۳	۳/۳۹	۲/۵۹	۴/۳
میانگین نرخ مرگ و میر نوزادان (در هر	۳۹	۱۹/۱	۴۴/۵	۲۳/۴	۶۰/۷

۱۰۰۰ تولد)					
۶۰/۴	۲۹۷/۵	۱۸۲/۳	۲۸۱/۴	۱۹۷/۵	میانگین هزینه بهداشت سرانه (قیمت جاری- دلار)
۵۳/۱	۸۱/۳	۷۴/۷	۷۱/۶	۷۲/۵	میانگین نرخ ثبت نام دبیرستانی (درصد)
۲۱/۳	۱۵/۴۸	۱۳/۷	۱۶	۱۶/۴۵	میانگین هزینه هر دانش آموز دبیرستانی (درصدی از درآمد سرانه)
۱۱/۲۳	۹/۴۳	۷/۸۳	۴/۳۲	۷/۵۲	میانگین نرخ بیکاری کل (درصدی از نیروی کار)

مأخذ: سایت بانک جهانی و شاخص‌های توسعه جهانی (WDI 2008)

جمع‌بندی و پیشنهادات

در این مطالعه رابطه کیفیت نهادهای حکمرانی و برخی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی به صورت آماری ارزیابی شده است. بدین منظور ابتدا ۳۵ کشور با سطوح نهادی تقریباً مشابه از نواحی مختلف جهان انتخاب شده و پس از آن اطلاعات برخی از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی آن‌ها را طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ گردآوری و به تحلیل آماری و همبستگی پرداخته‌ایم.

بیش از یک دهه است که اهمیت نقش نهادها در توسعه مورد توجه محافل علمی و سیاست‌گذاری بین‌المللی قرار گرفته است. در این میان نهادهای حکمرانی که مجموعه گسترده‌ای از ترتیبات رسمی و غیررسمی را در حوزه‌های مختلف در بر می‌گیرد، حائز اهمیت هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی، سیاست بهبود حکمرانی شامل شش ویژگی کلیدی می‌شود که عبارتند از:

- ۱- تأکید بر شفافیت، مردم‌سالاری، ۲- ثبات سیاسی به دور از هرگونه خشونت، ۳- اثربخشی دولت، ۴- کیفیت مقررات و تنظیم‌گری صحیح سیاست‌های اقتصادی، ۵- تأمین قضایی و دستگاه دادگستری کارآمد و ۶- کنترل فساد و جلوگیری از رشوه‌خواری و رانت‌جویی.

نتایج ضمنی و یافته‌های تحلیل همبستگی نشان می‌دهد شاخص‌های حکمرانی با عملکرد بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی جوامع مورد بررسی در ارتباط است. در واقع کشورهای که شاخص‌های حکمرانی بهتری نسبت به دیگر گروه‌ها دارند، عملکرد بهتری نیز در شاخص‌های توسعه داشته‌اند. در بین کشورهای مورد مطالعه، کشورهای جنوب شرق آسیا نسبت به سه گروه دیگر دارای وضعیت بهتری از نظر مولفه‌های حکمرانی می‌باشند. لذا شاهد بهبود شاخص‌های توسعه به‌ویژه درآمد سرانه و امید به زندگی بالاتر، وضعیت بهداشتی مطلوب‌تر، نرخ باروری زنان، نرخ مرگ و میر کودکان، نرخ بیکاری و بیسوادی پایین‌تر، هزینه‌های آموزشی بیشتر و به‌طور کلی استاندارد زندگی بالاتری می‌باشیم.

بنابراین نهادهای حکمرانی در هر کشور مستقل از موقعیت جغرافیایی با روند توسعه آن کشور به‌صورت همسو در ارتباط است و عملکرد ضعیف‌تر کشورهای غرب آسیا و آفریقای نسبت به کشورهای جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین موید آن است.

لذا به نظر می‌رسد در سایه توجه ویژه به نقش حکمرانی می‌توان این شکاف عملکرد توسعه‌ای بین کشورها را پر نمود. بنابراین پیشنهاد می‌شود کشورهای مورد بررسی اولویت سیاست‌گذاری‌های خود را بر بهبود شاخص‌های حکمرانی قرار دهند. زیرا شفافیت بیشتر، فضای باثبات سیاسی، اثربخشی دولت، مقررات با کیفیت، تأمین قضایی عادلانه و کنترل فساد در جامعه علاوه بر اینکه به‌طور مستقیم استاندارد زندگی شهروندان را بالا می‌برد، به‌صورت غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر ارتقاء توسعه جوامع مورد مطالعه موثر خواهد بود.

با توجه به اینکه در بیشتر شاخص‌های عملکرد توسعه ایران بهتر از میانگین گروه خود یعنی غرب آسیا اقدام نموده است، به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران کشور به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و همچنین اهداف برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست بر بهبود و ارتقاء کیفیت حکمرانی بیش از پیش تأکید نمایند تا علاوه بر کاهش شکاف عملکرد توسعه‌ای خود با کشورهای منطقه غرب آسیا و خاورمیانه، بتوانند در سایه تقویت نهادهای کارآمد و مشارکت گسترده گروه‌های اجتماعی، به وضعیت مطلوب و موثر خود در عرصه تعاملات بین‌المللی دست یابند.

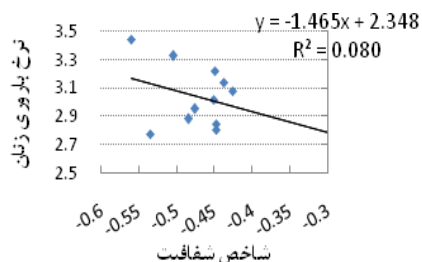
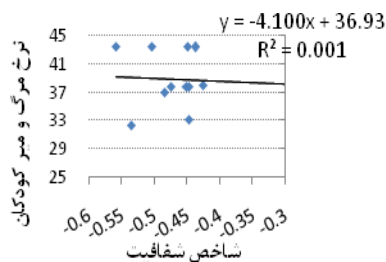
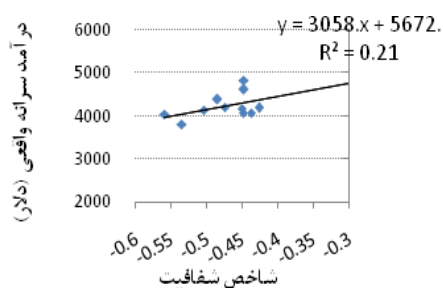
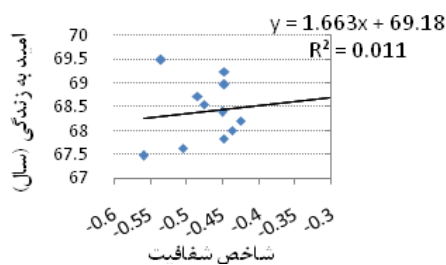
کتابنامه

- ابراهیمبای سلامی، غلامحیدر (بهار ۱۳۸۶): "مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، ۱۵۱-۱۷۵.
- اسکات، دبلیو ریچارد (۱۳۸۷): *نهادها و سازمانها*، تهران، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پیت، ریچارد و هارت‌ویک، الین (۱۳۸۴): *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا و همکاران، تهران، نشر لویه، چاپ اول.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل. پورجوان، عبدالله و سیاح، علی (آذر ۱۳۸۹): "نقش حکمرانی بر رشد درآمد سرانه کشورهای گروه ۸ (D8): در راستای افق‌های همگرایی اقتصادی"، دومین همایش بین‌المللی همگرایی اقتصادی بین کشورهای اسلامی، موسسه پژوهش‌های بازرگانی، مرکز همایش‌های صدا و سیما، تهران.
- پورجوان، عبدالله (آبان ۱۳۸۹): "بررسی نقش حکمرانی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برگزیده"، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (تابستان ۱۳۸۹): "حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب"، مجله علمی-ترویجی راهبرد یاس، شماره ۲۲، ۱۲۹-۱۶۸.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳): *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران، ناشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- Aidis, R., Estrin, S. and Mickiewicz, T., (2008): "Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective," *Journal of Business Venturing*, No. 23, pp. 656-672.
- Angeles, L., (2010): "Institutions and Economic Development: Panel Evidence," Available online in: http://www.gla.ac.uk/media/media_140584_en.pdf
- Asian Development Bank, (1999): "Governance: sound development management," Asian Development Bank, Available online in: www.adb.org/documents/policies/governance/govpolicy.pdf
- Avellaneda, S.D., (2006): "Good Governance, Institutions and Economic Development: Beyond the Conventional Wisdom," Available online in: www.upf.edu/dcpis/_pdf/sdellepiane.pdf

- Casson, M. C., Della Giusta, M. and Kambhampati, U.S., (2010): “*Formal and Informal Institutions and Development*,” World Development, Vol. 38, No. 2, pp. 137–141.
- Cheema, G.S. and Maguire. L., (2003): “*Democracy, Governance and Development: A Conceptual Framework*,” Available online in: www.usaid.gov/our.../democracy...governance/.../pdfs/pnacd395.pdf
- Diamond, L., (2005): “*Democracy, Development and Good Governance: The Inseparable Links*,” Available online in: www.cddghana.org/.../Lecture%20by%20Larr%20Diamond.pdf
- Granville, B. and Leonard, C.S., (2010): “*Do Informal Institutions Matter for Technological Change in Russia? The Impact of Communist Norms and Conventions, 1998–2004*,” World Development, Vol. 38, No. 2, pp. 155–169.
- Hodgson, G.M, (2006): “*What are Institutions?*” Journal of Economic Issues, Vol. XL, No. 1, pp. 1-25.
- Kaufmann. D., Kraay, A. and Mastruzzi, M., (2009): “*Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2008*,” World Bank Policy Research Working Paper 4978,
- Kemp, R., Parto, S. and Gibson, R.B., (2005): “*Governance for sustainable development: moving from theory to practice*,” Int. J. Sustainable Development, Vol. 8, No. 1/2, pp.12–30.
- Mohammed, A. and Strobl, E. (2009): “*Good Governance and Growth in Developing Countries: A Case Study of Regulatory Reforms in the Telecommunications Industry*,” J Ind Compet Trade, DOI 10.1007/s10842-009-0065-2.
- North, D.C., (1990): *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Sharma, S.D., (2007): “*Democracy, Good Governance, and Economic Development*,” Taiwan Journal of Democracy, Vol. 3, No.1, pp. 29-62.
- Sharp, J.S., K. Agnitsch, V. Ryan and J. Flora. (2002): “*Social infrastructure and community economic development strategies: the case of self-development and industrial recruitment in rural Iowa*,” Journal of Rural Studies, No. 18, pp. 405–417.
- Stiglitz, J.E., (1998): “*More Instrument and Broader Goals: Moving toward the Post–Washington Consensus*,” Available online in: www.rep.org.br/pdf/73-5.pdf
- Thompson, M.R., (2007): “*The Dialectic of “Good Governance” and Democracy in Southeast Asia: Globalized Discourses and Local Responses*,” Globality studies journal, No. 10, pp. 1-21. Available online in: www.stonybrook.edu/globality/Articles/no10.pdf

- United States Agency for International Development, (2003): "Approaching Education from a Good Governance Perspective: USAID Resource Guide for Joint DG/Education Programs," Available online in: www.usaid.gov/pdf_docs/PNACR222.pdf
- United States Agency for International Development, (2003): "USAID Supports Good Governance in Latin America and the Caribbean," Available online in: http://www.undp.org/democracy_report_latam_america
- Veloso, F. and Soto, J.M., (2001): "Incentives, Infrastructure and Institutions: Perspectives on Industrialization and Technical Change in Late-Developing Nations," Technological Forecasting and Social Change, Vol. 66, No. 1, pp. 87-109.
- Wade, R., (1990): "Governing the Market, economic theory and the role of government in east industrialization," Princeton, Princeton university press.
- Wagener, H.J., (2004): "Good Governance, Welfare, and Transformation," The European Journal of Comparative Economics, Vol. 1, No. 1, pp. 127-143.
- Yao, X., C. Watanabe and Y. Li., (2009): "Institutional structure of sustainable development in BRICs: Focusing on ICT utilization," Technology in Society, No. 31, pp. 9-28.
- World Bank, (2008): *World Development Indicators* on CD-ROM, World Bank, Washington DC.

پیوست ۱- رگرسیون دو متغیره حکمرانی و سطح واقعی برخی شاخص‌های توسعه در نمونه ۳۵ کشوری



پیوست ۲- رگرسیون دو متغیره حکمرانی و لگاریتم برخی شاخص‌های توسعه در نمونه ۳۵ کشوری

